



فیلسوف مجردی که شعر فرانسوی می‌خواند و موسیقی ایرانی گوش می‌دهد

«کریم مجتهدی» پیرمرد فلسفه ایران اکنون 80 بهار را پشت سر گذشته است اما به تنها چیزی که نمی‌اندیشد بازنشستگی است.

گپ‌وگفت فارس با چهره ماندگار فلسفه ایران

فیلسوف مجردی که شعر فرانسوی می‌خواند و موسیقی ایرانی گوش می‌دهد

171#& کریم مجتهدی» پیرمرد فلسفه ایران اکنون 80 بهار را پشت سر گذشته است اما به تنها چیزی که نمی‌اندیشد بازنشستگی است. کار، همه انسان، می‌داند و سعادت انسان، یادگیری، آداب، به‌دین، نه یک ملت که یک اراده می‌بندد. به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، پیرمرد فلسفه ایران، عقل مجسم است، زندگی‌اش تبدیل به کار شده است و جوهره مرد را کار می‌داند. آن قدر پژوهش‌های فلسفی برای این پیرمرد حکمت و خرد مهم شده است که صبح با جلوه آفتاب، شال و کلاه می‌کند به محل کار می‌رود به پژوهش فلسفی خود می‌پردازد، کار می‌کند کار می‌کند و کار... این مردی که انگار شعر سعدی را آویزه گوش کرده است که 171#& برو کار کن مگو چیست کار» با حسرت از همکلاسی‌های فرانسوی خود یاد می‌کند که مانند گرگ حریص آموختن بودند!

171#& کریم مجتهدی» چهره ماندگار فلسفه است و فلسفه، تنها دغدغه این روزهای مردی است که با خستگی غریبه است. پیرمرد با اینکه هیچ وقت ازدواج نکرده است اما اصلاً بی‌حوصله نمی‌شود. او آموخت و آموزش داد و هنوز انرژی دارد که بنویسد و بخواند.

با خود می‌اندیشم عشق در زندگی این استاد فلسفه که خود را هنوز معلم می‌داند، چه معنی دارد؟ اما مگر می‌شود عاشق و دوستدار روشنایی و دانش نباشد و اینگونه خستگی‌ناپذیر عشق آموختن داشته باشد؟ این معلم اندیشه‌ها عشق را رهنمون کردن انسان به خرد می‌داند.

دانش‌آموخته فلسفه غرب به عشق آموختن فلسفه اسلامی به کشور بازگشت و می‌گوید ایرانی نمی‌تواند ایرانی نباشد! دلم نمی‌آید از مردی که عمری را در راه اندیشیدن سپری کرده است و بعد از 80 سال عمر پر برکت از مفهوم مرگ بیرسم، این مرد باید همچنان بخواند، بنویسد و بیاندیشد! کریم مجتهدی سهم به‌سزایی در رشد پژوهش‌های فلسفی در ایران داشته است. او در همایش چهره‌های ماندگار ایران به عنوان چهره ماندگار فلسفه سال 1380 انتخاب شد.

با این فیلسوف دوست‌داشتنی که هم‌اکنون عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و استاد فلسفه دانشگاه تهران است، گپ و گفت مفصل، انجام دادیم که ماحصا، آن تقدیم خوانندگان، گام، می‌شود.

* آیا فلسفه رشته معلق و سختی است؟

فلسفه یک رشته دانشگاهی است اما در واقع صرفاً یک رشته نیست، واحدهای معینی دارد و می‌توان در حد کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر، آن را آموخت.

اما هر کسی که فکر می‌کند، به ناچار خودش را متفکر می‌داند. به معنای عام کلمه هر فکر، اعتقاد و نظریه که قابل ارائه به دیگران است می‌تواند، تفکر محسوب شود.

به معنای اخص کلمه فلسفه معقول ثانی فلسفی است. یعنی به اصطلاح تفکر مضاعف است، تفکری است که عوامل انتزاعی را همراه خود دارد.

ذهن فیلسوف ذهن مقید است و آزاد نیست، برای اینکه فیلسوف باید اصولی را مراعات کند.

شناخت فلسفی فکری قانونمند است، فلسفه قوانین عقلی است که فیلسوف خودش بنیان می‌گذارد؛ به قول 171#& ایمانوئل کانت «تفکر فلسفی، ساختار، معما، گه‌گاه دارد که دارد، ناه و قالب نیست». فلسفه مقدمات محکمی دارد که با تدبیر اساسی راجع به موضوعی به نتایجی می‌رسد. ویژگی دیگر فلسفه آن است که تاریخ دارد و فیلسوف باید بداند حرفی که می‌زند، در گذر زمان می‌تواند معنای دیگری پیدا کند، فکر قاطع را باید با عامل زمانی در نظر گرفت. فیلسوف باید بداند که فکری که می‌کند وحی منزل نیست و دارای تاریخ است.

فلسفه شبیه هیچ یک از مظاهر فرهنگی نیست

نکته‌ای که برای من اهمیت دارد این است فلسفه به یک معنای شبیه مظاهر دیگر فرهنگ انسانی نیست. فلسفه با فن و صنعت، شعر و موسیقی، دین، مدنیت، زندگی اجتماعی و آداب و رسوم متفاوت است، با اینکه جزو مسایل فرهنگی است اما به عینه جزو هیچ‌یک از مظاهر فرهنگی نیست. برای اینکه درباره این مظاهر فرهنگی به تعامل می‌پردازد.

علم مظهر فرهنگی است، زمانی که فیلسوف از فلسفه علم صحبت می‌کند یعنی با ارزش‌های ممکن علم در حال تعامل است؛ این فلسفه است و خود علم، دین و هنر نیست، می‌تواند درباره مظاهر فرهنگی به تعامل بپردازد اگر این تعامل نباشد علم، مدنیت، سیاست و فرهنگ، و مدنیت و سیاست در معنی خود کاربرد ندارند یعنی آنچه فلسفه را فلسفه می‌کند دعوت به تأمل است.

تصور نکنید که با کنار گذاشتن تفکر، کشور به صنعت دست پیدا می‌کند و با کنار گذاشتن تفکر، ناخودآگاه حالت هرج و مرج در کشور پیدا می‌شود. مانند این است که کوشش می‌کند اما نتیجه نمی‌گیرد، نتیجه با تأمل است.

علمی که عمیق نباشد نمی‌تواند رنگ و بوی فلسفه بگیرد

*** جواب پرسشم را مبنی بر اینکه آیا فلسفه سخت است، نگرفتم.**

– هر علمی را بخواهید علمی و عمیق فرا گیرید، سخت است. فرق فلسفه با سایر رشته‌های دیگر این است که وقتی عمیق نباشد، دیگر فلسفه نیست! وقتی به شناخت می‌رسید که به عمق برسید، همین مهم است که فیلسوف واقعی از شتابزدگی گریز دارد.

فیلسوف همیشه یک تأمل اضافی را برای خودش دارد، فیلسوف عشق به شناخت، تجسس و یادگیری دارد. **من ساعات را در یادگیری می‌دانم** هر چیزی که یاد بگیرید دوست دارید، اگر هنر عکاسی را واقعاً یاد بگیرید، می‌بینید دوست دارید یادگیری نوعی شغف و سعادت است.

انسان موجودی است که در جست‌وجوی سعادت است. همین جست‌وجو، عشق به یادگیری را در انسان ایجاد می‌کند، تا وقتی این کوشش است می‌توانیم از فلسفه صحبت کنیم.

فلسفه قهوه، هسپا، ا؛ فلسفه کانت مشکا، ت است

*** غامض‌ترین فیلسوف غربی که با اندیشه‌های او مواجهه شدید، کیست؟**

– من فکر می‌کنم در فهم اندیشه‌های فلسفی درجات وجود دارد، ساده بگویم اگر دکارت بخوانید می‌توانید با اندیشه‌های فلسفی دکارت در مدت شش ماه آشنا شوید. اما پس از جست‌وجو متوجه می‌شوید همان چیزی که ساده تلقی کردید آنقدر ساده نیست بلکه ساده تلقی می‌کردید. مطابق این اصل فلسفه همیشه تعمق برانگیز است.

خودم در حال حاضر مشغول نوشتن کتابی در مورد فیلسوفی هستم که کمتر می‌شناختم، فقط اسم آن فیلسوف را شنیدم اما امروز با توجه به نوشتن کتاب متوجه می‌شوم فلسفه قرون وسطی از فلسفه کانت نیز مشکل‌تر است. همیشه می‌شود از هر فیلسوفی در شرایط مختلف زندگی یاد گرفت، در دوره جوانی به گونه‌ای و در دوره دیگر به گونه‌ای دیگر.

با اطمینان می‌گویم که در تمام دوره‌های عمر می‌توانید از افلاطون و ارسطو یاد بگیرید. استاد افلاطون‌شناسی اگر دوباره افلاطون بخواند، به دریافت تازه‌ای از افلاطون می‌رسد که در گذشته دقت نکرده بود. فیلسوفان بزرگ طراوت تازه در آثار و گفته‌های خود پنهان می‌کنند. فلسفه را باید از نو شناخت هر چقدر هم بشناسید باز قابلیت شناخت دارد.

برای فهمیدن فلسفه غرب #171؛ دکارت، کانت، لایبنیتس و هگل» بخوانید

*** بزرگترین فیلسوفی که شما را درگیر افکار خودش کرده است کدام فیلسوف بود. اگر قرار باشد یک کتاب انتخاب کنید از کدام فیلسوف است؟**

– آن فیلسوف را انتخاب می‌کنم که نمی‌شناسم!

اگر سؤالتان را عوض کنید و از من بخواهید برای دانشجوی ایرانی فلسفه و علاقه‌مندان به جریان فکری یک یا دو کتاب معرفی کنم، می‌گویم: اگر قصد دارید فلسفه غرب را بفهمید حداقل دکارت، کانت، لایبنیتس و هگل را بخوانید. یک مرحله از یادگیری باید مطالعه افکار، اب، فیلسوفان، باشد.

اگر می‌خواهید به کل فلسفه تسلط داشته باشد، افلاطون و ارسطو را بخوانید. اختلاف بین این دو فیلسوف اختلاف کل فلسفه است. افلاطون، دست‌ا‌ش‌ا‌ش، به سمت بالاست و ارسطو رو به زمین است. **نمایی از تندیس افلاطون**

*** آیا غرب این دعوای تاریخی بین دو روش افلاطون و ارسطو را پشت سر گذاشته است؟**

– به یک معنا پشت سر گذاشته است اما زیربنای آن را حفظ کرده است. پشت سر گذاشتن به معنی این نیست که پایه‌ها و اساس‌ها را از بین برده، پشت سر گذاشتن شاعرهایی مانند حافظ و سعدی به معنای از بین بردن ساختار زبان فارسی نیست یعنی شاعر و زبان‌شناس جدید امکانات جدیدی برای بیان زبان فارسی پیدا کرده است. کوشش فلسفه و هر فیلسوف جدید، جست‌وجوی امکانات گذشته و کاربرد جدید و دوباره آن امکانات برای آینده است.

برای آشنایی با فلسفه ابتدا تاریخ فلسفه بخوانید

*** برای کسانی که دانشجوی فلسفه نیستند، اما به فلسفه علاقمند هستند خواندن چه کتاب‌هایی را پیشنهاد می‌کنید؟**

– من به عنوان معلم فلسفه توصیه می‌کنم تاریخ فلسفه را بخواند تا اجمالاً با سیر فلسفه آشنایی داشته باشند.

امروز خوشبختانه در ایران مردم به سمت مطالعه روی آوردند حرص یادگیری به وجود آمده است، به خاطر دارم که در دانشگاه صنعتی شریف کلاس داشتم؛ کلاس پر از غریبه‌ها بود با اینکه اجازه نمی‌دادند افراد غریبه در کلاس حضور داشته باشند اما علاقه‌مندان به طرق مختلف در کلاس حضور می‌یافتند.

به عشق آموختن فلسفه اسلامی از فرانسه به ایران برگشتم

*** آیا فرهنگ متفاوت کشورهای مختلف در تربیت فیلسوف مؤثر است. آیا فرهنگ‌های مختلف فیلسوف متفاوت تربیت می‌کنند؟**

– قطعاً شک نکنید!

فلسفه‌های غربی را بسیار دقیق خواندم، من از 17 سالگی برای تحصیل به فرانسه رفتم چیزی که سبب شد به ایران برگردم شوق دانستن فلسفه اسلامی است، چون وقتی در فرانسه بودم در قسمت فلسفه قرون وسطی، به من فلسفه ابن سینا درس می‌دادند.

یک متفکر ایرانی اگر فلسفه غرب را نخواند نمی‌تواند فلسفه اسلامی را واقعاً بفهمد.

به هیچ روی از اینکه فلسفه غرب را خواندم پشیمان نیستم، اگر فلسفه غرب را نمی‌خواندم متوجه سخنان فیلسوفان اسلامی و متفکران ما نمی‌شدم و بدون درک و فهم از فلسفه غرب، درک شما از فلسفه اسلامی صوری خواهد بود، فقط عبارت را می‌توانید بخوانید و از درک مطلب اصیل آن ناتوان هستید.

اگر دانشجویان و علاقه‌مندان به فلسفه اسلامی در پی آن هستند به عمق فلسفه اسلامی دست یابند باید فلسفه غرب را متوجه شوند.

اگر فلسفه غرب را فرا نگیرند، به عمق فلسفه اسلامی پی نخواهند برد. برخی با مطالعه فلسفه غرب از جمله کانت می‌گویند: کانت چه متفکری است که عقلانیت را نفی می‌کند؟ متوجه نیستند که کانت راهی را بین انسان و علوم جدید جستجو می‌کند تا بین این دو رابطه برقرار کند. این را متوجه نیستند که کانت در پی جستجوی راه جدید در سنت تفکر است.

فیلسوف هماهنگ کننده و جامعیت‌بخش است، فیلسوف غربی بیشتر با علوم سر و کار دارد برای اینکه تفکر و علوم را اصل می‌داند. طبیعی است که من ایرانی مسلمان شیعه با یک کاتولیک مسیحی فرق دارم اما زندگی امر مشترکی نیز است اختلاف‌ها سر جای خود بالاخره ریشه‌ها یکی است این تفاوت‌ها نیز فرهنگ را غنی‌تر می‌کند.

شهرت برای من اهمیت ندارد، نباید دروغ گفت، برای من خوانده شدن کتاب‌هایم بیشتر از شهرت اهمیت دارد. راضی هستم کتاب‌هایم را بخوانند، بگویند فلسفه چیزی نیست، چون می‌دانم فلسفه بعد از چند سال اثرگذار است.

شعر فرانسوی می‌خوانم

*** اهل رمان و شعر هستید؟**

– در جوانی رمان و شعر زیاد می‌خواندم هنوز هم به فرانسه می‌خوانم اما در حال حاضر غیر از فلسفه فعلا هیچ دغدغه‌ای ندارم.

شهرام ناظری گوش می‌کردم

*** اهل موسیقی هستید؟**

– غیر از فلسفه دوره‌ای به مطالعه تاریخ هنر و فلسفه هنر پرداختم. موسیقی کلاسیک غربی را می‌شناسم، اگر در دسترس باشد گوش می‌کنم. موسیقی ایرانی نیز بسیار موسیقی اصیلی است.

*** می‌توانید از خواننده یا نوازنده خاصی نام ببرید؟**

– نه به خصوص. یک دوره‌ای شهرام ناظری گوش می‌کردم. اگر نوازنده‌ای دستگاه‌ها را به درستی اجرا کند گوش می‌کنم. موسیقی ایرانی یک موسیقی عالی است از ابعاد متفاوتی تشکیل شده است و از سنت فیثاغورث و یونانی تا موسیقی هندی‌ها الهام گرفته است.

موسیقی شاد مردمی، جای خود را دارد منتها اصالت ندارد.

کلاس‌های درس امسال تعطیل شد

*** آقای دکتر وقت خود را چگونه تنظیم می‌کند؟**

– صبح خیلی زود کارم را شروع می‌کنم، در گذشته بیش از 40 ساعت تدریس می‌کردم امسال برای اولین بار به علت اینکه چشم‌هایم درد می‌کند، درس نمی‌دهم کار جوهره انسان است. منظورم کار خودم نیست، مردی که کار نمی‌کند، مرده است! برای زن نیز همین گونه است، البته برای زن کمتر است.

شب و روز کار می‌کنم و هیچ وقت حوصله من سر نمی‌رود. یاد ندارم که بگویم حوصله من سر رفت، همیشه یک چیزی هست یاد بگم ه به آن، علاقه‌مند باشم. در صورتی که کار ندارم تلویزیون می‌بینم و رادیو گوش می‌دهم.

*** چرا ازدواج نکردید؟**

– در جوانی فرانسه بودم اما تا به حال ایرانی بودم، انسان نمی‌تواند وطن خود را انتخاب کند. هویت ایرانی چیست؟ کسی ایرانی است که اراده می‌کند ایرانی بماند. ایرانی‌بودن اراده است ایرانی نمی‌تواند ایرانی نباشد. ضابطه ایرانی بودن این است که در شخص، اراده ایرانی بودن باشد و بخواهد ایرانی بماند، کارت ملی و شناسنامه نشانه ایرانی بودن نیست.

*** آقای دکتر کجا به دنیا آمدید؟**

– من مادرم تهرانی و پدرم تبریزی است. خودم در تبریز به دنیا آمدم و در تهران بزرگ شدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در تهران گذراندم.

*** استادان و یا همکلاسی فرانسوی شما افراد مشهور شدند؟**

– اکثر استاد بزرگ مانند ژرژ گوریچ و ژان پیازه استادان من بودند، با هانری کوربن هم حشر و نشر داشتم. حتی به خاطر دارم که سه جلسه میان او علامه طباطبایی به عنوان مترجم عمل کردم.

دانشجویان فلسفه فرانسوی مانند یک گرگ در کلاس می‌نشستند و مانند گرگ حرص آموختن داشتند.

*** توصیه خاصی درباره این مصاحبه دارید؟**

– دوست دارم بگویم کلمات خارجی را به کار نبریم، به خصوص در متن و هنگام نوشتن نباید به هیچ وجه استفاده کرد. در رسانه ملی برنامه در حال پخش بود خانم روانشناس که به آن دکتر می‌گفتند، گفت: تایم من با تایم شما جور نیست! آیا نمی‌تواند بگوید «وقت؟!؛ به نظر، این خانم روانشناس دارد عقده خود را به نمایش می‌گذارد. باید این مسئله را بگویم که تا قبح استفاده از

لغات غیرفارسی بروز کند!

گفت‌وگو: رحمت رضانی